

آموزش توحید محور

بسم الله الرحمن الرحيم

آسیب بی ارتباطی با خویشتن خویش

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» قرآن توصیه می‌فرماید: همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد.

وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ (زخرف ۳۶)

و هر کس از یاد [خدای] رحمان دوری کند، شیطانی بر او می‌گماریم تا آن شیطان همنشین او شود.

ارتباط انسان با خدا را می‌توان سیر از بیگانگی به آشنایی نامید که در صورت غفلت از این ارتباط، گرفتار بیگانگی‌های سه‌گانه‌ی زیر می‌شویم:

۱- بیگانگی با دیگران: منشأ بیگانگی با دیگران، ناامن بودن خاطر انسان است و باعث می‌شود تا شخص از دیگران دور بماند، زیرا نسبت به ناتوانی‌اش در مورد ارتباط برقرار کردن با دیگران نگران است. در نتیجه‌ی همین ناامن بودن از دیگران، موضع می‌گیرد و این‌طور وانمود می‌کند که مقام و منزلتی دارد و این موجب می‌شود تا دیواری بین خود و دیگران بکشد و از دیگران جدا شود و در این رابطه، بی‌مهری و تنهایی، دست در دست هم در صحنه‌ی زندگی ظاهر می‌شود. در حالی که در فضای ارتباط انسان با خدا، انسان به روحیه‌ای دست می‌یابد که ناامنی خاطر در آن، جایی ندارد، امیدوار است در مسیر روحانیتی که در ارتباط با خدا به دست آورده سایر افراد را نیز به آن روحانیت دعوت کند و در نتیجه‌ی آن دعوت، بیگانگی را به یگانگی تبدیل نماید. قرآن در رابطه با تبدیل بیگانگی به یگانگی

۲- بیگانگی از خود راستین: در شرایطی که از خود راستین خود بیگانه باشیم، شدیداً پراکنده خاطر خواهیم بود. و در فضای متضاد با هر چیزی به هر دری می‌زنیم و به هر راهی می‌رویم، احساس تقصیر و گناه می‌کنیم و نمی‌توانیم خودمان را چنان که هستیم با استعدادها و محدودیت‌های خاصی که داریم بپذیریم، و با خود صمیمانه برخورد کنیم، عموماً خود را چون تاجر ورشکسته‌ای احساس می‌کنیم. وقتی انسان خود را فراموش کند و از خود راستین خود بیگانه شود، دیگر نمی‌داند چه کاری موجب سعادت او و چه کاری موجب شقاوت او می‌گردد و این اوج بیگانگی از خود است که در اثر غفلت از آشنایی با خدا پیش می‌آید.

۳- بیگانگی با خداوند: آخرین ناامنی، بی‌معنا بودن زندگی است که با غفلت از بندگی خدا پیش می‌آید و در همین راستا انسان جدید که به امور مادی و ابزارهای زندگی بیشتر مشغول شده، بیشتر احساس تهی‌مایی و بی‌هدفی و نگرانی و ندامت کاری و یأس و سرخوردگی می‌کند. زیرا نمی‌داند معنی حقیقی او در راستای بندگی خدایی ظهور می‌کند که کمال مطلق است و تنها او می‌تواند هدف زندگی باشد.

- سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۱۹.

آموزش توحید محور

ثمرات آشتی با خدا در ارتباطات انسان

هدف اصلی انسان‌شناسی را می‌توان فروریختن این سه حصارِ تودرتوی قهر و بیگانگی دانست که موجب آشتی با دیگران و با خویش و با خدای خویش خواهد شد، که مراحل آن عبارت‌است از:

الف - آشتی با خداوند: اساس آشتی با خداوند، خودشناسی است که انسان متوجه می‌شود خداوند ما را همچنان که هستیم، می‌پذیرد و به‌عنوان نفخه‌ای از روح الهی، مورد نظر حضرتش قرار داریم. در مورد مخلوقاتش، رحمتش بر غضبش سبقت دارد که گفت: «سَبَقَتْ رَحْمَتِي غَضَبِي» به این معنا که مهر و مغفرت او بر غضبش که موجب مهوریت انسان می‌شود، غلبه دارد. در مناجات شعبانیه داریم: «الْهِي! لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي، لَمْ تَهْدِنِي، وَلَوْ أَرَدْتَ قَضِيحَتِي، لَمْ تُعَافِنِي» خدایا اگر خواری مرا می‌خواستی، هدایتم نمی‌کردی، و اگر رسوایی مرا می‌خواستی، مرا نمی‌بخشیدی. از این طریق، خطر بی‌معنا بودن در زندگی برطرف می‌شود و امکان رسیدن به ساحل معانی و روحانیت مورد نظر انسان، ظهور می‌کند و انگیزه‌ای برای عملِ برتر پیش می‌آید. در رابطه با آشتی با خدا اساس حرکت بر مبنای امیدی است که هر کس در رابطه با خدا در خود ایجاد می‌کند و متوجه است خداوند هر کس را که عزم رجوع به او کرده در هر شرایطی می‌پذیرد و در این رابطه می‌فرماید: «لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» هیچ‌کس جز کافران از رحمت و لطف خدا مأیوس نیست.

ب - آشتی با خود راستین: انسان‌ها در امنیت و امان آشتی با خداوند، این امکان و آزادی را می‌یابند که با خود صمیمانه برخورد کنند و شفیقانه در خود بنگرند چون خدا آن‌ها را پذیرفته است، می‌توانند خود را بپذیرند و با توبه و رجوع به خدا از احساس گناه و عناد با خود دست بردارند و از طریق عبادات، خود را در مسیر قرب او که در واقع «مَنْ» برتر و اصل اصیل هر موجودی است، سوق می‌دهند. در این حال است که شوق دعا و استغفار در انسان ظهور می‌کند و به‌راحتی تقاضای رحمت و بخشش از درگاه خداوند متعال می‌نماید و با خود در حالی روبه رو خواهد بود که همه‌ی امیدها در او شکوفا شده و خود را شایسته‌ی همنشینی با خدا می‌یابد.

ج - آشتی با دیگران: ارتباط جدید با خود و با خدا، به انسان یاری مهر ورزیدن به دیگران را می‌بخشد. زیرا فقط وقتی انسان از خودخواهی‌های افراطی رسته باشد، می‌تواند دیگران را همسان خود بیابد چون خداوند نیز او را همانند دیگران پذیرا شده، در این حال می‌تواند در روابط خود با دیگران از چنان وسعت نظری برخوردار باشد که هرگز انسان‌های خودخواه در جان خود تصور چنین مهربانی‌هایی را بر دیگران نخواهند داشت.

- بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۳۱۰.

- سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۸۷.

آموزش توحید محور

امام سجّاد □ در دعای مکارم الاخلاق از خدا تقاضا می کند «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ سَدِّدْنِي لِأَنْ أَعَارِضَ مَنْ غَشَّنِي بِالنُّصْحِ، وَأَجْزِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ، وَأُثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَدَلِ، وَأَكْفَى مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ، وَأُخَالِفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ، وَ أَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَأَغْضِي عَنِ السَّيِّئَةِ...» ای خدا: درود بفرست بر محمد و آل محمد، و یاریم ده تا با کسی که فریبم داده با پند و اندرز برخورد کنم، و بر کسی که از من دوری کرده به نیکی پاداش دهم، و یاریم کن تا جواب کسی که مرا از منافع ام محروم کرده، با بخشش جواب دهم و جواب آن کس را که قطع رحم کرده، وصل رحم دهم و در جواب کسی که غیبت مرا کرده، متذکر نیکوئی‌هایش شوم و یاریم کن تا شکر نیکی تو را به جای آورم و از بدی‌های افراد چشم‌پوشم.

این است ثمره‌ی آزادی از خود و آشتی با دیگران و این است نتیجه‌ی انسان‌شناسی و معرفت نفس؛ که انسان بداند چگونه بر نفس خود مسلط گردد؛ زیرا در دنیا فقط یک نیرو و یک آزادی و یک عدالت وجود دارد و آن نیروی «حکومت بر خویشتن» است و هرکس به اندازه‌ای که بر خود مسلط شود، بر دنیا مسلط شده است و در دنیا نیز فقط یک نیکی وجود دارد و آن دوست داشتن دیگران است مانند دوست داشتن خویش.

وقتی دو برادر باهم بجنگند و یکی از جنگیدن توبه کند، احساس محبتی را که در نهادش نهفته است بیدار ساخته و از این طریق به خود برین و راستین خود که در همه‌ی عوالم حاضر است، دست یافته است و لذا باید بدانیم حاصل معرفت نفس یا خودشناسی جز این نباید باشد که انسان بتواند با خدا و با خود و با دیگران آشتی کند. در راستای چنین اهدافی لازم است توانایی‌های نفس ناطقه از یک طرف و حجاب‌هایی که مانع می‌شود تا انسان به حقیقت خود دست یابد، از طرف دیگر شناخته شود که این‌شاءالله در مباحث بعدی به آن پرداخته خواهد شد.